

از نیکل تا نفت

از انتهای کلاس صدای پیچ می آمد. معلم با ته ماژیک چند بار روی میز زد تا بچه ها ساکت شوند. پرسید چه خبر است آخر کلاس؟! همه بچه ها ساکت شدند. معلم حضور و غیاب را انجام داد. باز هم صدای صحبت کردن بچه ها بلند شده بود، تا اینکه معلم از جایش بلند شد. دیگر همه خودشان را جمع و جور کردند. این یعنی می خواست درس را شروع کند.

کتابها را باز کردیم. معلم توضیح می داد که بعضی از لوله ها را با فلز نیکل آبکاری می کنند. پرسید، چرا خود لوله یا شیر را از نیکل نمی سازند؟

محسن: «به خاطر نرم بودن آن است؟»
معلم: «نه.»

محمدرضا: «آقا به خاطر اینکه گران است؟»
معلم به سرعت: «چرا گران است؟»

- نمی دانیم آقا.

- چون کمیاب است. صدای «آهان آهان» بود که از گوشه گوشه کلاس بلند شد. انگار همه نوک زبان شان بوده جان خودشان!

بالاخره یک نفر این حس بلد بودن الکی را شکست و پرسید: «آقا یعنی چی؟!»

آرمین بود. معلم توضیح داد: «فلز نیکل به خاطر خواصی که دارد، در صنعت خیلی استفاده می شود. هم دما و هم فشار خوبی را تحمل می کند و زیباست. اما مشکل این است که معادن نیکل در دنیا کم هستند. البته در چند کشور آفریقایی بیشتر پیدا می شود. از طرف دیگر، چون در صنعت محبوب هم هست و استفاده زیادی دارد، قیمت بالایی دارد و رقابت زیادی برای در اختیار داشتن آن وجود دارد.»

امیرسالار گفت: «آقا رقابت یعنی چطور مثلاً؟ مگر خرید و فروش نمی شود؟»

- منطقی اش این است که خرید و فروش شود، اما خب بعضی کشورها هستند که به حق خودشان قانع نیستند و به زور این منابع را غارت می کنند و صاحبان می شوند! خیلی از این کشورهای اروپایی در قدیم و حتی همین



الان کشورهای ثروتمند آسیا و آفریقا را غارت می کردند، یا به آن ها حمله و آن ها را مستعمره خودشان می کردند. یا اینکه با بی کفایتی حاکمان همان جا، شیک و مجلسی منابع را غارت می کردند. بعضی وقت ها هم دیگر حمله نظامی نمی کنند، غارتشان را در یک بسته بندی شیک تر انجام می دهند. اما در اصل موضوع فرقی نمی کند و هدفشان غارت منابع و نیروی انسانی کشورهای ثروتمند است؛ به خصوص کشورهای آفریقایی و آسیایی که منابع زیرزمینی و معدنی زیادی دارند.

سبحان گفت: «آقا غیر از این فلز نیکل، دیگر چه چیزهایی را غارت می کنند؟»

- هر چیز ارزشمندی مثل طلا، الماس، فلزات، نفت و منابع طبیعی مثل چوب. بعضی وقت ها هم از بازارهای آن کشور سوءاستفاده می کنند تا بتوانند محصولات خودشان را بیشتر بفروشند. گاهی اوقات از نیروی انسانی آن ها هم سوءاستفاده می کنند.

- آقا ایران هم آمده اند؟! -

- بله که آمدند. مگر می شود ایران به این ثروتمندی را به حال خودش رها کنند! زمان حکومت پهلوی نفت ایران دست انگلیسی ها بود! فکر کنید، می آمدند نفت ما را می بردند و غارت می کردند. با قراردادی که کلاه برداری محض بود و شاه جرئت نمی کرد به آن ها حرفی بزند.

مردم با جلوداری علمایی مثل آیت الله کاشانی آن قدر اعتراض کردند و از نمایندگان مجلس مثل دکتر محمد مصدق که در مجلس دنبال ملی کردن صنعت نفت بودند، حمایت کردند تا بالاخره شاه مجبور شد قرارداد غارت نفت ایران از طرف انگلیسی ها را باطل کند. البته بعدها که آمریکایی ها علیه دکتر مصدق کودتا کردند و او از نخست وزیر برکنار شد، دوباره قرارداد دیگری بستند که صاحب اکثر نفت ایران باز همان ها شدند! فقط بعد از انقلاب اسلامی بود که دستشان کوتاه شد.

آرتین برادر دوقلوی آرمین بود. پرسید: «آقا چرا این جور شده بود؟ یعنی ممکن است دوباره همین کار



را بکنند؟»

- ایران کشور خیلی ثروتمندی است. انقلاب اسلامی که پیروز شد، دستشان از غارت این کشور کوتاه شد. آن ها دست بر نمی دارند و لقمه چرب و نرمی مثل ایران را به حال خودش نمی گذارند. در واقع، انقلاب اسلامی که آمد، ایران مستقل شد و از دست زورگویی ها و دزدی و غارت های آن ها خلاص شد. کاری که مردم ایران با انقلاب اسلامی کردند، باعث شد مردم دنیا هم درس بگیرند و تلاش کنند حال زورگوها را بگیرند. برای همین آن کشورهای زورگو در برابر ایران جری تر هم شدند. این استقلال نعمت بزرگی است که ما در ایران داریم. بچه ها باج دادن و توسری خوردن خیلی حس بدی است. فکر کنید یک زورگویی در محله شما باشد و مدام شما را اذیت کند و کاری هم نتوانید با او بکنید! هر چه هم او بگوید مجبور باشید انجام دهید!

گفتم: «آقا خیلی حس سمی ای است!»

ادامه داد که: «بله. حالا فکر کنید یک ملت را یک کشور زورگو غارت کند و آن مردم کاری از دستشان بر نیاید. خیلی به آدم برمی خورد. انگار حس غرور آدم را زیر پا له می کنند. این استقلال و غرور و عزت ملی که ما داریم، نعمت بزرگی است. همین الان به اوضاع و احوال بعضی کشورها نگاه کنید که زیر بار زور و غارت کشورهای اروپایی و آمریکا هستند. حال مردمشان مثل قبل از انقلاب اسلامی ماست. خلاصه باید شکر گذار بود و با تمام توان این استقلال را حفظ کرد. همه باید تلاش کنند مستقل بودن و عزت کشور و مردم حفظ شود. همه جای دنیا یک چیزی دارند به اسم غرور ملی که نمی گذارند کسی یا کشوری آن را زیر پا بگذارد. کشورهایی هم که الان استقلال ندارند، در آرزوی چنین روزی هستند.

- خب، داشتیم می گفتیم... بعضی وقت ها شیرها را با طلا آبکاری می کنند...

گفتم: «آقا طلا هم کمیاب است؟»

- ای بابا! آقا که گفت، چند بار می پرسه!



پوشش کنید!